

Precaution in Genealogy as a Jurisprudential Rule

Akbar Maḥmūdī*

(Received: 11/08/2020; Accepted: 01/09/2020)

Abstract

Genealogy is one of the most important matters for human beings and Sharia. The jurisprudential rule of precaution in genealogy is due to this importance. Using descriptive-analytical method and library documents, this article explores the jurisprudential rule. The main reason for this rule is the independent rule of intellect and the conventional wisdom, and other evidences, including consensus, the purposes of Sharia, the practice of religious people, and the principle of precaution, confirm the rule of intellect and the conventional wisdom. Therefore, the ruling of the Sharia in this regard is as the guidance to the rule of intellect and the endorsement of conventional wisdom, and the Sharia does not have an authoritative ruling and independent law in this regard. The statement of important matters in religious texts such as genealogy is due to the emphasis on their importance. This jurisprudential rule is applied in legal and thematic doubts and regarding Muslims and non-military infidels and for the identification of the Prophet's (\$) descendants. The principle of *Ibāḥah* (permissibility) is not applied in genealogy, for it is used where the subject is permissible by its nature and its prohibition is doubted due to the occurrence of external factors. Also, it takes place where the intellect is not able to recognize the badness independently, while the fundamental principle in genealogy is prohibition, and the intellect, in the lack of knowledge, recognizes the badness in genealogy.

Keywords: Jurisprudential Rule, Relationship, Genealogy, Lineage, Precaution, Principle.

* Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, mahmoodiakbar24@gmail.com

احتیاط در انساب به مثابه قاعده‌ای فقهی

اکبر محمودی*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱]

چکیده

انساب از مهم‌ترین امور نزد بشر و شرع است. قاعده فقهی احتیاط در انساب به دلیل همین اهمیت است. این مقاله با روش تحقیق توصیفی تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای این قاعده فقهی را می‌کاود. دلیل اصلی برای این قاعده، حکم مستقل عقل و بنای عقلا است و ادله دیگر، از جمله اجماع، مقاصد شریعت، سیره متشرعه و اصل احتیاط، مؤید حکم عقل و بنای عقلا است. بنابراین، حکم شرع در این باره از باب ارشاد به حکم عقل و امضای بنای عقلا است و شرع حکم مولوی و جعل مستقلی در این زمینه ندارد. تصریح در متون دینی به امور مهمی، مانند انساب، به سبب تأکید بر اهمیت آن است. این قاعده فقهی در شبهه‌های حکمی و موضوعی و راجع به مسلمانان و کافران غیرحربی و درباره سیادت جریان دارد. اصالت اباحه درباره انساب جریان ندارد؛ زیرا این اصل در جایی جریان دارد که موضوع بر حسب طبیعتش محکوم به اباحه باشد و در حرمت آن به دلیل عروض عوارض خارجی شک شود. همچنین، در جایی جریان دارد که عقل استقلال به قبح آن نداشته باشد، در حالی که اصل در انساب بر حرمت است و عقل در انساب، به قبح اقدام در صورت نداشتن علم حکم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قاعده فقهی، نسبت، انساب، نَسَب، احتیاط، اصل.

مقدمه

احتیاط در برخی از امور مهم در صورت فقدان علم در مسئله از نگاه عقل لازم است تا از بروز برخی مفاسد برای فرد و جامعه جلوگیری شود. شرع مقدس نیز این الزام عقل را تأیید کرده و بر اساس آن، حکم به وجوب احتیاط می‌دهد. انساب انسان‌ها یکی از این امور مهم به شمار می‌رود. بر همین اساس، عقل به لزوم احتیاط در آن حکم می‌کند و شرع مقدس نیز به تبع حکم قطعی عقل، بر اساس قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع، به وجوب احتیاط حکم می‌دهد.

هرچند فقها در مسائل گوناگونی به قاعده احتیاط در انساب انسان‌ها تمسک کرده و می‌کنند، ولی تاکنون هیچ اثری به صورت جامع و مستقل، این قاعده را بررسی نکرده است. با توجه به اهمیت و ضرورت بحث از این قاعده، این مقاله علمی برای نخستین بار با روش توصیفی تحلیلی، انتقادی و اسناد کتاب‌خانه‌ای به صورت جامع و کامل، قاعده احتیاط در انساب، مفهوم، حجیت، قلمرو و دیگر امور مرتبط با آن را، از لحاظ فقهی، می‌کاود. همین نکته از نوآوری‌های این مقاله به شمار می‌آید.

۱. مفاد قاعده احتیاط در انساب

«احتیاط» در لغت به معنای پوشش‌دادن، احاطه‌کردن، جمع‌کردن، دوره‌کردن، استوارکردن، دوراندیشی، پختگی، عاقبت‌اندیشی، انتخاب‌کردن مطمئن‌ترین راه، به دست آوردن اطمینان، توجه به جوانب چیزی، دقت، ترس و ملاحظه است (فراهیدی، ۱۴۲۴: ۳۷۳/۱؛ رازی، ۱۳۸۷: ۲۶۰؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۱۵۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۹: ۴۲۲؛ معین، ۱۳۸۶: ۹۶/۱؛ انوری، ۱۳۸۲: ۲۶۵-۲۶۶).

اصل احتیاط و اشتغال از اصول عملی است (سبحانی، ۱۴۲۳: ۳۴۳) که در اصطلاح فقهی و اصولی به معنای اتخاذ روشی است که با آن برائت یقینی ذمه انسان در صورت واضح‌نبودن حکم شرعی حاصل شود (کرکی، ۱۳۹۶: ۲۲۳)؛ یعنی چیزی که احتمال دارد واجب باشد، انجام شود و چیزی که احتمال دارد حرام باشد، ترک شود (انصاری، ۱۴۱۹: ۴۰۳/۱).

اصل احتیاط هم در احکام شرعی و هم در موضوعات خارجی دارای حکم شرعی جریان می‌یابد (صدر، ۱۴۳۱: ۷۹/۵). قلمرو اصل احتیاط علم اجمالی است (حکیم، ۱۴۱۶: ۱۵۶/۱). «انساب» جمع «نَسَب» در لغت به معنای اتصال، ارتباط، اشتراک از جانب یکی از

والدین و قرابت است (رازی، ۱۳۸۷: ۹۵۰؛ جوهری، ۱۴۳۰: ۱۱۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۹: ۱۶۰۳؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۶۰۲). «نسبت» نیز با همین کلمه هم‌خانواده است، که مصدر است (فراهیدی، ۱۴۲۴: ۲۱۴/۴) و به همین معنا به کار برده می‌شود (جوهری، ۱۴۳۰: ۱۱۳۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۹: ۱۶۰۳). مراد از «انساب» در اینجا نیز مرتبط با همین معنای لغوی آن است و به معنای قرابت خویشاوندی و فامیلی است.

بدون شک، عقل و نقل به رجحان و نیکویی احتیاط، حتی در صورت وجود اماره بر اباحه و حلّیت، حکم می‌دهند (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۳۷/۲؛ خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۵۴) ولی شکی هم نیست که احتیاط در برخی امور موجب اختلال نظام، عسر، حرج و تکلیف به غیرمقدور می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۵۲۰؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۱۳۷/۲). از این رو نمی‌توان در همه امور به استحباب احتیاط حکم داد (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۳۷/۲). بنابراین، احتیاط تا زمانی نیکو خواهد بود که موجب عسر، حرج، اختلال نظام، وسواس و ترک امور مطلوب شرعی نشود (خمینی، ۱۴۲۳: ۴۱۷/۳؛ روحانی، ۱۳۸۲: ۴۷۳/۴؛ تبریزی، بی‌تا: ۱۰۸). اما احتیاط در برخی امور مهم از نظر شارع مقدس، مانند جان، ناموس، آبرو، اموال و انساب انسان‌ها، در هر حال نیکو (خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۵۴؛ صافی، ۱۴۲۸: ۹۰/۳) و واجب است (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۳۷/۲-۱۳۸: ۱۳۷۱: قمی، ۱۳۷۱: ۶۷/۲).

مقصود از قاعده احتیاط در انساب این است که نسبت انسان‌ها، نزد شرع مقدس اهمیت بسیار دارد و باید به آن حساسیت ویژه داشت و فقط بر اساس مجوز قطعی شرع مقدس اقدام کرد، بنابراین:

۱. نمی‌توان هیچ کس را بدون دلیل معتبر شرعی به شخص دیگری منتسب کرد؛
۲. آثار شرعی انتساب، مانند پدربودن، مادربودن، پسربودن، دختربودن، برادربودن، خواهربودن، وجوب نفقه، ارث، عاقله، محرمیت و ... در صورت شک در انتساب، در غیر مصادیق قلمرو قاعده فراش، بر آن مترتب نمی‌شود؛
۳. از هر چیزی که محتمل است در انساب انسان‌ها اختلال ایجاد کند یا آن را نابود سازد باید پرهیز کرد.

احتیاط در مانند انساب انسان‌ها نزد فقها به احتیاط شرعی معروف است (عراقی، ۱۳۸۸: ۳۷۸). زیرا شرع مقدس در خصوص جان، ناموس، آبرو، اموال و انساب به صورت ویژه تصریح کرده و درباره آنها توصیه به احتیاط کرده است. شبهه در جایی که

باید احتیاط انجام گیرد در مقام حقیقت قرار می‌گیرد (حلی، ۱۴۱۲: ۶۶/۱۴). اراده شارع مقدس بر این تعلق گرفته که حکم تکلیفی واقعی در این امور، حتی در صورت شک نیز، حفظ شود (حلی، ۱۴۳۲: ۳۱۷/۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۷: ۹۸/۲). بر همین اساس، برخی از فقها (اصفهانی، ۱۴۲۲: ۶۲۷/۱) اظهار کرده‌اند که احتیاط در این امور با جعل تأسیسی شارع مقدس است، ولی در امور دیگر با امضای حکم عقل است.

به نظر می‌رسد این نکته صحیح نباشد؛ زیرا گرچه شرع مقدس به برخی امور به صورت ویژه تصریح کرده تا درباره آنها احتیاط شود، ولی این بدان معنا نیست که قبل از آن عقل به احتیاط درباره آنها حکم نکرده باشد و بنای عقلا نیز بر آن نباشد. بنابراین، حکم شرع مقدس در این امور خاص به دلیل تأکید ویژه بر حکم عقل و بنای عقلا است. بر این اساس، حکم مولوی و جعل تأسیسی در این امور نیز وجود ندارد و فقط ارشاد به حکم عقل و امضای بنای عقلا است.

همه احکام الهی درباره امور گوناگون، از جمله جان، آبرو، اموال، ناموس، انساب و ... بر اساس حکمت، فلسفه و مصلحتی است که عقل انسان به همه آنها راه ندارد (سقزلی، ۱۴۱۸: ۷-۸). شریعت اسلامی نیز بر اساس حدیث نبوی «خدا مرا با دین میانه منعطفِ راحت برانگیخته است»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۴/۵) و حدیث علوی «دوست‌داشتنی‌ترین دین شما در نزد خدا دین میانه انعطاف‌پذیر آسان است»^۲ (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۲/۱) بر مبنای راحت‌گرفتن استوار است؛ ولی احتیاط در امور خاصی مانند انساب انسان‌ها به منظور رعایت همین حکمت‌ها، فلسفه‌ها و مصالح است.

۲. احتیاط در انساب: قاعده‌ای فقهی

قواعد فقهی یا قواعد فقهی، گزاره‌ها و قضایایی هستند که شامل حکم فقهی کلی‌اند و همه یا بیشتر باب‌های فقه را پوشش می‌دهند و قابلیت تطبیق بر امور جزئی را دارند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۵/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۱۱/۱؛ زامل، ۱۴۲۲: ۱۲؛ سدلان، ۱۴۱۷: ۱۳). قاعده احتیاط در انساب انسان‌ها نیز همین گونه است؛ زیرا گزاره‌ای است که در آن لزوم احتیاط در انساب انسان‌ها بر شک در حلیت و اباحه آنها حمل شده و در برخی از ابواب فقه جریان داشته و قابلیت انطباق بر مصادیق جزئی فراوانی را دارد. پس قاعده‌ای فقهی است.

۳. مستندات قاعده احتیاط در انساب

قاعده احتیاط در انساب انسان‌ها بر ادله و شواهد فراوان نقلی و عقلی استوار است که در ادامه برخی از مهم‌ترین آنها تحلیل و بررسی می‌شود.

۳.۱. اجماع

از ظاهر دیدگاه‌ها و کلمات فقها، که برخی از آنها در ادامه ذکر خواهد شد، برداشت می‌شود که همه آنان بر اصالت احتیاط در امور مهم، مانند انساب انسان‌ها، تسالم و اتفاق نظر دارند. این اتفاق نظر به جهت وجود ادله فراوان دیگر در مسئله، و مدرکی است و اجماع اصطلاحی کاشف از رأی معصوم نیست. بنابراین، حجیت ندارد و دلیل مستقل در مسئله به شمار نمی‌رود و فقط به عنوان مؤید پذیرفتنی است.

۳.۲. حکم عقل

عقل مستقل به حسن احتیاط در هر صورت است (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۳۹/۲؛ فاضل، ۱۴۳۰: ۲۸۳/۳). عقل در امور مهم، مانند انساب انسان‌ها، نیز حکم به حسن احتیاط و وجوب احتیاط کامل می‌کند. عقل سلیم و فطری به قبح ظلم حکم می‌کند. همچنین، در آنچه ظلم واقعی در آن محتمل است حکم به قبح می‌کند تا از ارتکاب ظلم واقعی پرهیز شود (حلی، ۱۴۳۲: ۱۳۳/۲). از این رو اصل در امور مهم، مثل جان، ناموس، آبرو، اموال و انساب، لزوم اجتناب است. عقل از اعتماد به ظن در امور مهمی مانند جان، ناموس، آبرو، اموال و انساب منع می‌کند (وحید، ۱۴۱۵: ۱۳۶). از این رو در این امور فقط به علم یا علمی باید تکیه کرد و در غیر این صورت باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

۳.۳. بنای عقلا

همه عقلائی جهان، اعم از متشرع و غیرمتشرع، در امور مهم، مانند انساب انسان‌ها، به حسن احتیاط حکم کرده و در مقام عمل نیز احتیاط کامل می‌کنند و تا دلیل قطعی بر اباحه‌اش اقامه نشود اقدامی نمی‌کنند (خوانساری، ۱۴۰۵: ۳۵/۷). اصالت احتیاط در انساب انسان‌ها از مهم‌ترین اصول نظامی عقلائی است. شارع مقدس از جمله عقلا، بلکه رئیس عقلا، است و در هیچ منبع معتبری، از وی منعی بر این سیره مشاهده نشده است. بنابراین، آن را تأیید کرده است (کمپانی، ۱۴۱۴: ۲۴۹/۳-۲۵۰).

۳. ۴. اهتمام ویژه شریعت به انساب

یک سری از امور وجود دارد که راهبردهای کلان شریعت اسلامی به حساب می‌آید و انسان یقین دارد که این امور خط قرمز شریعت به شمار می‌رود و شارع مقدس هیچ وقت راضی نیست به آنها بی‌توجهی شود. از این امور با عنوان‌هایی مانند «مقاصد شریعت» (زحیلی، ۱۴۰۶: ۱۰۱۷/۲؛ شلبی، ۱۴۰۶: ۵۱۲؛ علوانی، ۱۴۲۱: ۱۲۷)، «مقاصد فقه» (مهریزی، ۱۴۲۳: ۱۴)، «اغراض شریعت» (خادمی، ۱۴۲۱: ۱۵)، «روح شریعت»، «اهداف دین»، «اهداف فقه» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۸؛ همو، ۱۴۲۳: ۱۴)، «اسرار شریعت» (خادمی، ۱۴۲۱: ۱۵)، «غایات فقه» (مهریزی، ۱۴۲۳: ۱۴)، «فلسفه شریعت»، «روح کلی فقه»، «مذاق شرع» (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۵۰/۱ و ۳۰۳ و ۳۲۹/۲ و ۱۹۶/۱۵ و ۲۲۲/۲۴ و ۱۲۶/۲۶ و ۲۱۷/۲۷ و ۱۹۵/۳۰ و ۳۱۰ و ۶/۳۲ و ۳۸۰/۴۰ و ۳۸۷)، «مذاق شریعت» (عاملی، بی‌تا: ۹۱/۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۰۵/۸؛ علی‌شاهی، ۱۳۹۰: ۴۰)، «مذاق قواعد شریعت» (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۲۱/۲۷) و ... تعبیر می‌شود. شارع مقدس اهمیت خاصی برای انساب انسان‌ها قائل شده و از هر چیزی که آن را در معرض خطر قرار دهد یا اختلالی در آن ایجاد کند یا نابود سازد، منع کرده است. احادیث فراوانی بر این نکته شهادت می‌دهند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به علت تحریم زنا فرمود: «تحریم زنا به جهت فساد و نابودی موارث و انقطاع انساب است و زن نمی‌داند در زنا چه کسی او را حامله کرده و فرزند نمی‌داند که پدرش کیست و ارحامی وجود نخواهد داشت تا صله آنها انجام شود و نزدیکی وجود نخواهد داشت تا شناخته شود»^۳ (مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲۶۴/۴).

امام رضا علیه السلام نیز در بیان علت تحریم زنا می‌فرماید: «خدای متعال زنا را حرام کرد. زیرا در آن فسادهایی از جمله قتل نفوس، نابودی انساب، ترک تربیت اطفال، فساد موارث و شبیه آنها وجود دارد»^۴ (صدوق، ۱۴۰۴: ۵۶۵/۳؛ همو، ۱۳۷۸: ۹۲/۲؛ همو، ۱۳۸۵: ۴۷۹). همچنین، در مقام ذکر حکمت حرمت قذف زنان شوهردار فرمود: «خدای عزیز و جلیل قذف محصنات را حرام کرد؛ زیرا در آن فساد انساب، نفی ولد، ابطال موارث، ترک تربیت و نابودی آشنایان است و در آن گناهان کبیره و علت‌هایی است که موجب فساد مخلوقات می‌شود»^۵ (همو، ۱۴۰۴: ۵۶۵/۳؛ همو، ۱۳۸۵: ۴۸۰). نیز فرمود: «علت اینکه مرد می‌تواند با چهار زن ازدواج کند و زن نمی‌تواند با بیشتر از یک مرد ازدواج کند این است که مرد هنگامی که با چهار زن ازدواج کند، فرزند به او نسبت داده می‌شود؛ ولی

اگر زن دارای دو شوهر یا بیشتر باشد، دانسته نمی‌شود که فرزند برای چه کسی است؛ زیرا همه آنان در ازدواج زن مشترک‌اند و در آن فساد انساب، مواریث و آشنایان است»^۶ (همو، ۱۳۷۸: ۹۵/۲؛ همو، ۱۳۸۵: ۵۰۴).

سخنان دانشمندان و فتاوی‌های فقهای اسلامی درباره انساب نیز نشان از اهمیت انساب نزد آنها است. محمدعلی تبریزی، در حاشیه بر کتاب علی قارپوزآبادی، حکمت و وجوب حضور دو شاهد عادل در هنگام طلاق مرد و زن را احتیاط در طلاق از جهت اختلاط در انساب ذکر کرده است (قارپوزآبادی، ۱۴۱۴: ۳۲۲). سید اسدالله میرسلامی حفظ انساب را بزرگ‌ترین نظام واجب در جهان برمی‌شمرد و می‌گوید: «بزرگ‌ترین نظامی که در عالم واجب است، حفظ انساب و محدودبودن امور وقاعیه است که این قضیه جبلی حیوانات است؛ هر یک برای خود جفتی اتخاذ کرده، به رقیب خود غیرت می‌برند» (خرقانی، ۱۴۲۸: ۳۵۱). احمد شاه‌رودی نیز حکمت حرمت زنا را لزوم اختلال انساب می‌داند: «زنا آخر القبایح فی حفظ الجامعه است. زنا موجب اختلال انساب است» (شاه‌رودی، ۱۴۲۸: ۵۷۳). وی در ادامه می‌گوید: «زنا موجب اختلال انساب و فساد موالید و اعقاب و رحم و قرابات و فقد عاطفه و مودت و علاقه و حفظ تربیت گردد» (همان: ۵۷۴).

سید عبدالله بلادی، در جایگاه استدلال برای حرمت کشف حجاب، یکی از حکمت‌های حرمت زنا را اختلال انساب ذکر می‌کند:

کشف حجاب از زنها مستلزم اختلاط آنها است با مردان اجنبی، و اختلاط آنها با مردان اجنبی مستلزم وقوع زنا است فیما بین آنها و وقوع زنا مستلزم اختلال امر انساب است و آن مستلزم مفسد فوق‌العاده است از تغییر و تبدیل امر مواریث و بطلان انکحه و تضييع حقوق قومیت و بشریت و رحمت و حمیت درباره یکدیگر و تقویت جنبه بهیمیت و هکذا سایر مفسد متفرعه بر آن از عدم استیلای زوج بر زوجه خود و زوال غیرت که در حقیقت رشته انتظام نوع مبتنی بر آن است که بر هیچ عاقل فطن لیب غیور مخفی نخواهد ماند و عقل سلیم از آن امتناع دارد (بلادی، ۱۴۲۸: ۱۰۵).

مرتضی مطهری یکی از حکمت‌های حرمت چندشوهری برای زن در یک لحظه را

نیز اشتباه انساب ذکر می‌کند و می‌گوید: «اشکال عمده و اساسی که چندشوهری به وجود می‌آورد و همان بیشتر سبب شده که این رسم عملاً موفقیتی نداشته باشد، اشتباه انساب است. در این نوع زناشویی رابطه پدر با فرزند عملاً نامشخص است» (مطهری، ۱۳۹۰: ۳۰۲). وی درباره فلسفه حجاب می‌گوید:

اما اینکه «آیا نظر اسلام درباره حجاب و پوشش احترام‌گزاردن به حس غیرت مرد است یا نه؟» جواب این است که بدون شک اسلام همان فلسفه‌ای که در حس غیرت هست، یعنی حفاظت پاکی نسل و عدم اختلاط انساب، را منظور نظر دارد؛ ولی علت حجاب اسلامی منحصر به این نیست (همان: ۴۱۷).

سید حسن امامی یکی از حکمت‌های حکم به وجوب عده برای زن را جلوگیری از اختلاط انساب می‌داند و می‌گوید: «مدت عده برای جلوگیری از اختلاط انساب با احترام به شوهر متوفی می‌باشد» (امامی، ۱۳۷۴: ۳۲۶/۴). وی همچنین در جای دیگر، فلسفه عده طلاق برای زن را پیش‌گیری از اختلاط انساب برمی‌شمرد: «عده طلاق برای جلوگیری از اختلاط انساب است» (همان: ۴۵/۵).

سید محمدعلی مبارکه‌ای در مقام ذکر فلسفه وجوب حجاب می‌نویسد:

بزرگ‌ترین نظامی که در عالم و نظم جامعه لازم است، محدودبودن امور وقاع است که بر حسب طبیعت هر یک از افراد جفتی برای خود اتخاذ نموده؛ چه آنکه بقای سلسله نوعیه بشر منوط به آن خواهد بود و اگر زن‌ها بالنسبه به مردها مطلق‌العنان شده، علاوه بر اختلاط انساب و اختلال میراث مستلزم مفساد کلیه بر جامعه خواهد بود (مبارکه‌ای، ۱۴۲۸: ۴۴۶).

وی حکمت قبح زنا را لزوم اختلال انساب ذکر می‌کند: «هر صاحب وجدانی به قبح زنا اذعان خواهد داشت؛ چه آنکه موجب اختلال انساب و مفساد کلیه خواهد بود» (همان: ۴۴۷). همچنین، در ادامه، در جایگاه استدلال بر وجوب حجاب زنان نوشته است:

نظر کنید در این فرمایش حضرت باقر که در دین اسلام در تحفظ نسوان به جهت حفظ نظام و عدم اختلاط انساب و رفع مفساد چقدر جدیت شده و آن کسی که خود را به اسلامیت معرفی می‌نماید و قلم در رفع حجاب بر صفحه

جریده از حد دریده خود می‌کشد، چقدر از عالم اسلامیت دور است. البته مسلمین چنین شخصی را جاهل صرف می‌دانند. حضرت باقر می‌فرماید: «لا ینبغی للمرأة أن تنکشفَ بینَ یدَیِ الیهودیةِ وَالنصرانیةِ فَإِنَّهُنَّ یصنَنَ ذلکَ لأزواجِهِنَّ»؛ «سزاوار نیست که زن مسلمان در محضر زن یهودیه و نصرانیه بی‌پرده و حجاب درآید؛ زیرا که برای شوهران خود اوصاف او را تعریف می‌نمایند» (همان: ۴۵۵).

محمد فاضل لنکرانی در وجوب دقت کارکنان زایشگاه‌ها به هنگام تحویل دادن نوزادان به والدین اصلی‌شان به اهمیت فراوان حفظ انساب از نگاه شرع مقدس استدلال کرده و این‌گونه فتوا داده است: «به دلیل اهمیت فراوان حفظ انساب و لزوم توجه به عدم الحاق فرزند به غیر پدر و مادر، بر کسانی که در اتاق عمل زایمان کار می‌کنند لازم است نهایت دقت را بنمایند که در تحویل نوزادان به پدر و مادر اشتباهی رخ ندهد» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷: ۷۸). وی در حرمت بارورشدن زن با اسپرم غیرهمسرش به اهمیت حفظ انسان از نگاه شرع مقدس استدلال کرده و این‌گونه فتوا داده است:

مسائلی از قبیل اختلال در زندگی زن و شوهر و یا گرفتارشدن زن به بیماری مجوز نمی‌شود تا زن با اسپرم غیرهمسرش بارور گردد؛ زیرا حفظ انساب و عدم الحاق فرزند به غیر از هم امور شرعی است و راضی‌بودن یا راضی‌نبودن شوهر نیز هیچ تأثیری در مسئله ندارد (همان: ۹۸).

او در جواب این استفتا که «خانم شوهرداری است که اولاددار نمی‌شود. به آنها پیشنهاد شده است که از زن و شوهری با رضایت آنها نطفه و تخمک بگیرند و در دستگاه به صورت جنین درآورند و پس از چند روز آن را توسط پزشک زن در رحم این خانم قرار دهند و پس از رشد و زایمان او را شیر دهد و بزرگش کنند که بچه آنها باشد. آیا اصل این عمل جایز است؟ و آیا بین این بچه و این زن و شوهر احکام فرزندی مترتب می‌شود؟» (همو، ۱۳۸۳: ۴۸۸/۲). پاسخ داد:

به طور کلی تلقیح نطفه شوهر به همسر خودش اگر مستلزم مقدمات حرامی نباشد مانع شرعی ندارد و تمام احکام فرزندی بر او مترتب می‌شود؛ اما تلقیح نطفه غیر چنانچه مستلزم مقدمات حرام باشد، از قبیل نگاه نامحرم و حتی

پزشک زن به عورت آن خانم، مسلماً جایز نیست و اگر مستلزم حرام نباشد به اینکه تلقیح توسط خود خانم یا شوهر او انجام شود باز برخلاف احتیاط و محل اشکال است؛ چون در باب نکاح و توالد و تناسل، حفظ انساب و عدم الحاق فرزند به غیر از اهم امور شرعی است و در این جهت فرقی بین رضایت و عدم رضایت نیست و چنانچه عقیم بودن با معالجه مداوا نشود معلوم است مصلحت وی در بچه‌دارنشدن می‌باشد و در هر حال اگر چنین کاری صورت گرفت بچه ملحق به صاحب نطفه است و جاری‌شدن احکام مادری نسبت به زنی که بچه را در رحم خود بپروراند و پس از زایمان شیر دهد مشکل است و باید از جهت محرمیت و ازدواج احتیاط شود (همان: ۴۸۹/۲).

ناصر مکارم شیرازی در وجوب ثبت ازدواج موقت به لزوم حفظ انساب استدلال کرده و نوشته است:

احتیاط این است که در عصر و زمان ما، حتی بعد از آنکه صیغه لفظی برای نکاح و طلاق خوانده می‌شود، به صورت کتبی هم نوشته شود. پس نوشتن و کتابت در عصر و زمان ما احتیاط مستحب است و گاهی واجب است؛ چون هرج و مرج پیدا می‌شود و برای حفظ انساب لازم است. پس نباید مردم را به صیغه لفظی تشویق نمود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۳۱/۵).

بر اساس نکات ذکرشده در احادیث و سخنان دانشمندان و فقها، این نتیجه به دست می‌آید که حرمت اختلاط و از بین بردن انساب انسان‌ها از امور قطعی است و حرمتش شامل هر چیزی که منجر به آن شود خواهد بود (تسخیری، ۱۳۸۶: ۶۷). بر این اساس، حفظ انساب از مقاصد شریعت است که فلسفه تشریح احکام است. بنابراین، شارع مقدس اهتمام خاصی به آن دارد و باید درباره‌اش همه جوانب احتیاط را رعایت کرد.

۳. ۵. سیره متشرعه

مردم متشرع از گذشته تا کنون در امور مهم، مانند انساب انسان‌ها، به حسن احتیاط حکم کرده‌اند و در مقام عمل نیز احتیاط کامل را رعایت می‌کنند و تا دلیل قطعی شرعی بر اباحتش اقامه نشود اقدامی انجام نمی‌دهند (خوانساری، ۱۴۰۵: ۳۵/۷). هیچ دلیل

معتبری نیز یافت نشده است که در آن شرع مقدس از این سیره متشرعه منع کرده باشد. بنابراین، پیشوایان شریعت، که خودشان از ممتازان متشرعان بوده‌اند، آن را تأیید و امضا کرده‌اند و برای ما نیز حجیت دارد.

۳. ۶. اصل احتیاط

اصل احتیاط از جمله اصول عقلی به شمار می‌رود (اراکی، ۱۳۷۵: ۳۹۳/۱؛ مشکینی، ۱۴۰۹: ۵۹). مناط رجوع به اصل احتیاط نیز این است که علم به اشتغال ذمه انسان وجود داشته باشد و شک در حصول امتثال و فراغ از عامل اشتغال باشد (نجم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۶۰۲/۲). برخی از فقها، مانند سید محمدباقر صدر (صدر، ۱۴۳۱: ۲۹/۵؛ همو، ۱۴۲۳: ۶۶/۱)، اصل اولی در شبهات را احتیاط ذکر کرده‌اند. در صورت شک در ادله ذکرشده برای امور مهم، مانند انساب انسان‌ها، نوبت به مراجعه به اصول عملی می‌رسد و اصل در مانند انساب انسان‌ها بر احتیاط است. این اصل، عقلی است. یعنی قبل از حکم شرع بدان، عقل به آن حکم کرده است.

۴. ارشادی بودن قاعده احتیاط در انساب

مراد از «احکام ارشادی» احکامی است که عقل مستقلاً بدان حکم می‌کند، مانند حسن عدل و احسان، و قبح ظلم و فساد (اسدی، ۱۳۸۳: ۴۵؛ گرجی، ۱۳۸۵: ۲۴؛ مشکینی، ۱۴۰۹: ۷۵). در مقابل احکام ارشادی، «احکام مولوی» قرار دارد که منظور از آن احکامی است که عقل مستقلاً بدان حکم نکرده و شارع مقدس با استفاده از جایگاه مولویت خویش بدان حکم می‌کند (شاهرودی، ۱۴۱۹: ۲۱۷/۱؛ مظفر، ۱۳۷۵: ۲۳۷/۱؛ میلانی، ۱۴۲۸: ۱۰۶/۳).

دلیل اصلی بر احتیاط به طور عام (نائینی، ۱۳۵۲: ۲۰۲/۲؛ اسدی، ۱۳۸۳: ۴۵) و قاعده احتیاط در انساب انسان‌ها به طور خاص، حکم مستقل عقل است. بنابراین، همه ادله نقلی واردشده درباره قاعده احتیاط در انساب انسان‌ها، از جمله اجماع، مقاصد شریعت، سیره متشرعان و ... از باب ارشاد است و شرع مقدس، در آنها حکم مولوی نداده است.

۵. امضایی بودن قاعده احتیاط در انساب

مقصود از «احکام امضایی» احکامی است که قبل از شرع مقدس بدان عمل می‌شده و

شرع مقدس نیز آن را تأیید و امضا کرده است (گرچی، ۱۳۸۵: ۲۴)، مانند برخی از احکام معاملات. در برابر احکام امضایی، «احکام تأسیسی» وجود دارد. مراد از احکام تأسیسی و ایجاد احکامی است که مستقل و جداگانه و ابتدا به ساکن، شرع مقدس ایجاد و تأسیس کرده و قبل از آن سابقه نداشته است، مانند وجوب نماز عید فطر، نماز عید قربان، نماز جمعه، وضو، غسل و

عقلای جهان، قبل از ورود شرع مقدس، به انساب دیگران حساسیت داشته‌اند و ضمن رعایت احتیاط، همگان را بدان توصیه کرده‌اند و رعایت نکردن آن را مذمت کرده‌اند و اشخاصی را که آن را رعایت نمی‌کنند توبیخ می‌کنند. از این رو حکم شرع به احتیاط در انساب از احکام امضایی است و شارع مقدس عمل عقلای جهان را تأیید و امضا کرده است.

۶. قلمرو قاعده احتیاط در انساب

۶.۱. جریان قاعده احتیاط در انساب در شبهه‌های حکمی

در شبهه‌های حکمی تحریمی بدوی میان اصولیان و اخباریان اختلاف نظر است. اخباریان به جریان اصالت احتیاط باور دارند و اصولیان به جریان اصالت برائت (وحید، ۱۴۱۵: ۲۴۰؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۲۰/۲)، ولی همه با اتفاق نظر درباره امور مهم، مانند انساب انسان‌ها، به وجوب احتیاط حکم داده‌اند. در اینجا تکلیف محتمل بر فرض وجودش منجز است (سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۸۶/۲).

در شبهه‌های حکمی وجوبی بدوی، هم اصولیان و هم اخباریان، به جز محمدامین استرآبادی، به جریان اصالت برائت حکم داده‌اند (وحید، ۱۴۱۵: ۲۴۰؛ خویی، ۱۴۲۰: ۲۵۲/۲؛ محمدی، ۱۴۳۰: ۱۹۵/۵؛ مدنی، ۱۴۲۹: ۳۶۱/۱) ولی درباره امور مهم، مانند انساب انسان‌ها، با اتفاق نظر حکم به وجوب احتیاط داده‌اند.

اخباریان در شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از فقدان نص قول به وجوب احتیاط را انتخاب کرده‌اند و اصولیان به اصالت برائت حکم داده‌اند (نائینی، ۱۳۵۲: ۱۶۵/۲؛ جزیری، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۴) ولی همه در امور مهم، مانند جان، آبرو، ناموس، اموال و انساب انسان‌ها، به وجوب احتیاط حکم داده‌اند.

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از فقدان نص، هم اخباریان و هم اصولیان، به

اصالت برائت حکم داده‌اند (جابلقی، بی تا: ۳۱۸/۲) ولی همه در امور مهم، مانند جان، ناموس، اموال، آبرو و انساب انسان‌ها، به وجوب احتیاط حکم داده‌اند. اخباریان و اصولیان در شبهه‌های حکمی ناشی از علم اجمالی به وجوب احتیاط حکم داده‌اند که این احتیاط عقلی است و شرعی نیست (جزایری، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۴).

۲.۶. جریان قاعده احتیاط در انساب در شبهه‌های موضوعی

اصولیان و اخباریان در شبهه‌های موضوعی بدوی، قبل از فحص، بر وجوب احتیاط اتفاق نظر دارند (سبزواری، ۱۴۱۷: ۱۷۶/۲) و در شبهه‌های موضوعی بدوی، بعد از فحص، بر جریان اصالت برائت و عدم وجوب احتیاط اتفاق نظر دارند (وحید، ۱۴۱۵: ۲۴۰؛ محمدی، ۱۴۳۰: ۱۹۵/۵) و حتی ادعای اجماع بر آن شده است (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۵۶/۵)، ولی درباره امور مهم، مانند جان، مال، آبرو، ناموس و انساب انسان‌ها، به وجوب احتیاط حکم داده‌اند.

اخباریان با وجود اینکه در شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان نص احتیاط را واجب می‌دانند (انصاری، ۱۴۱۹: ۲۰/۲) در شبهه‌های موضوعی اصالت برائت را جاری می‌کنند (همان: ۸۵/۲) و از شبهه‌های موضوعی تحریمی امور مهم مانند جان، ناموس، آبرو، اموال و انساب را استثنا کرده‌اند؛ زیرا اصالت حلیت در آنها به دلایل گوناگون، از جمله تعلیق حکم در اینها بر امور وجودی، تمسک به عام در شبهات مصداقی، قاعده مقتضی و مانع، به اصالت احتیاط تبدیل می‌شود (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۵۶/۵-۲۵۷/۵). اصولیان نیز در شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان نص به جریان اصالت برائت قائل‌اند (نائینی، ۱۳۵۲: ۱۶۵/۲) ولی درباره امور مهم، مانند جان، ناموس، آبرو، مال و انساب انسان، اصالت احتیاط را جاری می‌کنند (آشتیانی، بی تا: ۴۰).

حکم شبهه‌های تحریمی ناشی از اجمال نص نیز همانند حکم شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان نص است (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۱۴/۲)

در شبهه‌های موضوعی وجوبی قبل از فحص، احتیاط واجب نیست. دلیل آن نیز اطلاق ادله اصول است، مگر اینکه امثال تکلیف به طور غالب متوقف بر فحص از موضوع باشد، مانند فحص از اشمال مال زکوی بر نصاب و فحص از اینکه مال به قدر استطاعت برای حج باشد (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۵۷/۵). امور مهم، مانند جان، ناموس،

آبرو، مال و انساب، در اینجا استثنا می‌خورد و احتیاط در آنها واجب است (اصفهانی، ۱۴۲۲: ۶۲۷/۱؛ بجنوردی، ۱۳۸۰: ۳۹/۲).

اصولیان و اخباریان در شبهه‌های موضوعی ناشی از علم اجمالی حکم به وجوب احتیاط داده‌اند (رشتی، بی‌تا: ۳۰۲) که این احتیاط عقلی است و شرعی نیست (جزایری، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۴).

۳. ۶. جریان قاعده احتیاط در انساب راجع به کافران

احتیاط در انساب انسان‌ها در «قاعده احتیاط در انساب» به مسلمانان اختصاص ندارد و شامل کافران غیرحربی نیز می‌شود؛ زیرا مناط در این احتیاط احتمال حفظ انساب انسان‌ها در جای خودش است و روشن است که منشأ این احتمال، به اسلام اختصاص ندارد. بنابراین، هر جایی که این احتمال وجود داشته باشد قاعده فقهی احتیاط در انساب جاری می‌شود. کافران اهل ذمه محترم‌اند و جان، آبرو، ناموس، اموال (سیستانی، ۱۴۱۴: ۹۰) و انسابشان نیز محترم است. بنابراین، حکم انسابشان حکم انساب مسلمانان را دارد و احتیاط در آن جاری است. این نکته به انساب انسان‌ها اختصاص ندارد و شامل امور مهم دیگری همچون جان نیز می‌شود، همچنان که سید علی حسینی خامنه‌ای احتیاط در جان را مختص به مسلمانان ندانسته (خامنه‌ای، ۱۴۱۷: ۲۹؛ همو، ۱۴۱۸: ۸۵) و بر آن استدلال آورده است که مناط در این احتیاط احتمال حفظ جان است و منشأ این احتمال اختصاص به اسلام ندارد. بنابراین، هر جایی که این احتمال باشد قاعده فقهی احتیاط در جان جاری می‌شود (همو، ۱۴۱۷: ۲۹).

۴. ۶. جریان قاعده احتیاط در انساب، در خصوص سیادت

قاعده احتیاط در انساب انسان‌ها در هنگام شک در سیادت انسان نیز جاری می‌شود؛ زیرا سیادت ویژگی خاصی است که احکام شرعی ویژه‌ای دارد (صافی، ۱۴۱۷: ۲۱۲/۱). بر همین اساس، در صورت شک در سیادت، باید بنا را بر عدم سیادت گذاشت و احکام عدم سیادت را جاری کرد. طبق همین نکته، محمدباقر مجلسی در پاسخ به این استفتا که «کسی که به غریبی آمده و می‌گوید من سیدم، بدون ثبوت، خمس می‌توان داد و بر فرضی که مشهور باشد که میر یا سید می‌گویند می‌توان داد بدون علم به ضبط سلسله ایشان؟»، چنین فتوا داده است: «خمس دادن بدون ضبط سلسله یا شهادت عدلین به روشی که علم شرعی

به نسب او به هم رسد مشکل است» (مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۸۵).

ابوالقاسم قمی در پاسخ به این استفتا که «هر گاه شخصی دعوی سیادت کند و بینه و استفاضه از برای او نباشد یا خبری از آن نذر ندارد و مطالبه هم نمی‌کنند پس از چه راه توان از او مطالبه بینه کرد؟» (قمی، ۱۴۱۳: ۲۱۶/۱) پاسخ داده است: «شکی نیست احوط این است که به محض قول اکتفا نشود، خصوصاً در وقتی که ظن صدق نباشد یا مشکوک الحال باشد» (همان: ۲۱۷/۱).

حسین علی منتظری در پاسخ به این استفتا که «آیا کسی که مادرش سیده است می‌تواند به خود سید بگوید و یا خمس بگیرد و آیا در این مسئله اختلافی وجود دارد؟» چنین فتوا داده است: «میزان سیادت در خمس به اجماع فقها از ناحیه پدر است و در سید مادری اختلاف است و باید احتیاط کرد» (منتظری، ۱۳۸۴: ۱۷۸/۲).

محمدتقی بهجت فتوا داده است که: «اگر کسی بگوید سیدم، نمی‌شود به او خمس داد، مگر آنکه دو نفر عادل سیدبودن او را تصدیق کنند یا در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است» (بهجت، ۱۳۷۶: ۲۸۳-۲۸۴).
جعفر سبحانی نیز چنین فتوا داده است: «اگر کسی بگوید سیدم، نمی‌شود به او خمس داد، مگر آنکه حداقل یک نفر عادل سیدبودن او را تصدیق کند یا در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است» (سبحانی، ۱۴۲۹: ۳۵۳).

۷. نسبت قاعده احتیاط در انساب با قاعده اصالت اباحه

قاعده اصالت اباحه، که از آن با عنوان اصالت حلیت و حل نیز یاد می‌شود (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۲۳-۱۲۴)، از قواعد فقهی مشهور به شمار می‌رود که فقها بر آن توافق دارند (همان: ۱۲۴) و در ابواب گوناگون فقهی به آن استناد می‌شود.

در شبهه‌های وجوبی، هم اخباریان و هم اصولیان اصالت اباحه را جاری می‌کنند، ولی در شبهه‌های تحریمی فقط اصولیان آن را جاری می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۳۶۸/۳).

اصالت اباحه و حلیت درباره امور مهم، مانند جان، ناموس، آبرو، اموال و انساب انسان‌ها، جریان نخواهد داشت؛ زیرا این اصل در جایی جریان دارد که موضوع بر حسب طبیعت خویش محکوم به حلیت و اباحه باشد و در حرمتش به دلیل عروض عوارض خارجی شک شود، ولی اگر موضوع بر حسب طبیعت خودش محکوم به

حرمت باشد و حلیت امری عارضی بر آن باشد این اصل درباره آن جاری نمی‌شود. امور مهمی، مانند جان، ناموس، آبرو، اموال و انساب انسان‌ها، در زمره همین موضوعات است که اصل در آنها بر حرمت است. بنابراین، اصالت اباحه و حلیت در آنها جاری نمی‌شود، اگرچه شبهه در آنها بدوی باشد (سیحانی، ۱۴۲۶: ۴۲۵/۳). از سوی دیگر، اصالت اباحه در جایی جریان دارد که عقل استقلال به قبح آن نداشته باشد (بهیانی، ۱۳۸۱: ۱۳۷)، در حالی که عقل در امور مهمی همچون انساب انسان‌ها حکم به قبح اقدام در صورت نداشتن علم می‌کند (مجاهد، ۱۴۱۵: ۴۵۹).

نتیجه

قاعده فقهی احتیاط در انساب از قواعد فقهی مهم است که برای اولین بار در این مقاله بررسی شده و همین وجه نوآوری این مقاله است. دلیل اصلی بر احتیاط در انساب حکم مستقل عقل و بنای عُقلا است و ادله دیگر، از جمله اجماع، مقاصد شریعت، سیره متشرعه و اصل احتیاط، مؤید حکم عقل و بنای عُقلا به حساب می‌آید. بنابراین، حکم شرع در این باره از باب ارشاد به حکم عقل و امضای بنای عُقلا است و شرع مقدس در این باره حکم مولوی و جعل مستقلی ندارد. این قاعده فقهی، هم در شبهه‌های حکمی و هم شبهه‌های موضوعی و راجع به مسلمانان و کافران غیرحربی و نیز درباره سیادت جریان دارد. اصالت اباحه درباره انساب جریان نخواهد داشت؛ زیرا این اصل در جایی جریان دارد که موضوع بر حسب طبیعت خویش محکوم به اباحه باشد و در حرمت آن به جهت عروض عوارض خارجی شک شود؛ ولی اگر موضوع بر حسب طبیعت خودش محکوم به حرمت باشد و حلیت، عارضی بر آن باشد این اصل درباره آن جاری نمی‌شود. انساب در زمره همین موضوعات است که اصل در آنها بر حرمت است. بنابراین، اصالت اباحه در آن جاری نمی‌شود، اگرچه شبهه در آنها بدوی باشد. از سوی دیگر، اصالت اباحه در جایی جریان دارد که عقل، در تشخیص قبح آن استقلال نداشته باشد، در حالی که عقل در انساب به قبح اقدام در صورت نداشتن علم حکم می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ».
۲. «إِنَّ أَحَبَّ دِينِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْحَنِيفِيَّةُ السَّمْحَةُ السَّهْلَةُ».
۳. «سُئِلَ الصَّادِقُ لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الزَّيْنَى قَالَ لَمَّا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ وَذَهَابِ الْمَوَارِيثِ وَأَنْقِطَاعِ الْأَنْسَابِ لَا تَعْلَمُ الْمَرْأَةُ فِي الزَّيْنَى مَنْ أَحْبَبَهَا وَلَا الْمَوْلُودُ يَعْلَمُ مَنْ أَبُوهُ وَلَا أَرْحَامَ مَوْصُولَةٍ وَلَا قَرَابَةَ مَعْرُوفَةٍ».
۴. «حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الزَّيْنَى لَمَّا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنْ قَتْلِ الْأَنْفُسِ وَذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَتَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِلْأَطْفَالِ وَفَسَادِ الْمَوَارِيثِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ وَجُوهِ الْفَسَادِ».
۵. «حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَذْفَ الْمُحْصَنَاتِ لَمَّا فِيهِ مِنْ فِسَادِ الْأَنْسَابِ وَنَقْيِ الْوَلَدِ وَإِبْطَالِ الْمَوَارِيثِ وَتَرْكِ التَّرْبِيَةِ وَذَهَابِ الْمَعَارِفِ وَمَا فِيهِ مِنَ الْكِبَائِرِ وَالْعَلَلِ الَّتِي تُوَدَّى إِلَى فِسَادِ الْخَلْقِ».
۶. «عَلَّةُ التَّزْوِيجِ لِلرَّجُلِ أَرْبَعَةٌ نِسْوَةٌ وَتَحْرِيمٌ أَنْ تَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةُ أَكْثَرَ مِنْ وَاحِدٍ لَأَنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَزَوَّجَ أَرْبَعَ نِسْوَةٍ كَانَ الْوَلَدُ مَسْئُوبًا إِلَيْهِ وَالْمَرْأَةُ لَوْ كَانَ لَهَا زَوْجَانِ وَكَأَنَّ ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفِ الْوَلَدُ لِمَنْ هُوَ إِذْ هُمْ مُشْتَرِكُونَ فِي نِكَاحِهَا وَفِي ذَلِكَ فِسَادُ الْأَنْسَابِ وَالْمَوَارِيثِ وَالْمَعَارِفِ».

منابع

قرآن کریم.

- آشتیانی، محمود (بی‌تا). حاشیه‌ی علی درر الفوائد، قم: مؤلف، چاپ اول.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، چاپ اول.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد (۱۳۸۵). علل الشرائع، قم: کتاب‌فروشی داوری، چاپ اول.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- اراکي، محمدعلی (۱۳۷۵). أصول الفقه، قم: مؤسسه در راه حق، چاپ اول.
- اردبیلی، احمد (۱۴۰۷). الذخر فی علم الأصول، قم: مؤلف، الطبعة الاولى.
- اسدی، حسن (۱۳۸۳). «قاعدہ احتیاط از دیدگاه فقها و اصولیین مذاهب پنج‌گانه اسلامی»، در: پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۱، ص ۴۲-۶۴.
- اصفهانى، سید ابوالحسن (۱۴۲۲). وسیلة الوصول إلى حقائق الأصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۴). حقوق مدنی، تهران: اسلامیة، چاپ پانزدهم.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹). فرائد الأصول، قم: مجمع الفکر الإسلامی، الطبعة الاولى.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، چاپ دوم.
- بجنوردی، سید محمدحسن (۱۳۸۰). منتهی الأصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- بجنوردی، سید محمدحسن (۱۴۱۹). الفواعل الفقهیه، قم: الهادی، چاپ اول.
- بلادی، سید عبدالله (۱۴۲۸). سدول الجلباب فی وجوب الحجاب، ضمن جلد اول از کتاب رسائل حجابیه، به کوشش: رسول جعفریان، قم: دلیل ما، چاپ دوم.

- بهبهانی، سید علی (۱۳۸۱). *بدائع الأصول*، اهواز: انتشارات خوزستان، چاپ اول.
- بهجت، محمدتقی (۱۳۷۶). *رساله توضیح المسائل*، قم: دفتر آیت‌الله بهجت، چاپ دهم.
- تبریزی، غلام‌حسین (بی‌تا)، *أصول مهذب*، مشهد: چاپ‌خانه طوس، چاپ دوم.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۶). «نگاهی به موضوع شبیه‌سازی انسان به کمک تکنولوژی جدید»، در: *فقه اهل بیت*، ش ۵۲، ص ۷۰-۵۹.
- جابلقی، محمد (بی‌تا)، *القواعد الشریفة*، قم: مؤلف، چاپ اول.
- جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۵). *منتهی الدراییة فی شرح الکفایة*، قم: مؤسسه دارالکتاب، الطبعة الرابعة.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۳۰). *الصحاح*، قاهره: دارالحدیث، الطبعة الاولى.
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۳). *الفوائد الطوسیة*، قم: چاپ‌خانه علمیه، چاپ اول.
- حسینی، سید محمود (۱۳۸۵). *نتائج الأفكار فی الأصول*، قم: مؤسسه آل مرتضی، چاپ اول.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). *مستمسک العروة الوثقی*، قم: مؤسسه دارالتفسیر، الطبعة الاولى.
- حلی، حسن (۱۴۱۲). *منتهی المطالب فی تحقیق المذهب*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- حلی، حسین (۱۴۳۲). *أصول الفقه*، قم: کتاب‌خانه تخصصی فقه و اصول، چاپ اول.
- خادمی، نورالدین (۱۴۲۱). *علم المقاصد الشرعیة*، ریاض: مکتبه العیبهکان، الطبعة الاولى.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۱۷). «بحث حول الصابئة»، *فقه اهل البيت*، ش ۴، ص ۷-۳۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۱۸). «المهادنة»، *فقه اهل البيت*، ش ۱۱-۱۲، ص ۷-۹۰.
- خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹). *کفایة الأصول*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، الطبعة الاولى.
- خرقانی، سید اسدالله (۱۴۲۸). *رساله رد کشف حجاب*، ضمن جلد اول از کتاب *رسائل حجابیه*، به کوشش: رسول جعفریان، قم: دلیل ما، چاپ دوم.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۳). *تهذیب الأصول*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). *جامع المدارک*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۰). *مصباح الأصول*، قم: کتاب‌فروشی داوری، چاپ ششم.
- رازی، احمد (۱۳۸۷). *مقائیس اللغة*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، دمشق: دار القلم؛ بیروت: الدار الشامیة، الطبعة الاولى.
- رشتی، حبیب‌الله (بی‌تا). *بدائع الأفكار*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، الطبعة الاولى.
- روحانی، سید محمدصادق (۱۳۸۲). *زبدة الأصول*، تهران: حدیث دل، چاپ اول.
- زامل، عبدالمحسن (۱۴۲۲). *شرح القواعد السعدیة*، ریاض: دار أطلس الخضراء، الطبعة الاولى.
- زحیلی، وهبه (۱۴۰۶). *أصول الفقه الإسلامی*، بیروت: دار الفکر المعاصر، الطبعة الاولى.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۰). *الصوم فی الشریعة الإسلامیة الغراء*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع)، الطبعة الاولى.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۳). *الموجز فی أصول الفقه*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع)، الطبعة الاولى.

- سبحانی، جعفر (۱۴۲۶). *إرشاد العقول إلى مباحث الأصول* قم: مؤسسة الامام الصادق (عليه السلام) الطبعة الاولى.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۹). *رساله توضیح المسائل*، قم: مؤسسه امام صادق (عليه السلام) چاپ سوم.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۷). *تهذیب الأصول* بیروت: مؤسسة المنار، الطبعة الاولى.
- سدلان، صالح (۱۴۱۷). *القواعد الفقهية الكبرى و ما تفرع عنها*، ریاض: دار بلنسیه، الطبعة الاولى.
- سنقری، محمدعلی (۱۴۱۸). *الموسیقیات و تقدماها*، ضمن جلد ۲ از کتاب *غنا و موسیقی*، قم: مرصاد، چاپ اول
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۴). *قاعدة لا ضرر ولا ضرار*، قم: دفتر آیت الله سیستانی، چاپ اول
- شاهرودی، احمد (۱۴۲۸). *مدينة الإسلام روح التمدن*، ضمن جلد اول از کتاب *رسائل حجابیه*، به کوشش: رسول جعفریان، قم: دلیل ما، چاپ دوم.
- شاهرودی، سید علی (۱۴۱۹). *دراسات فی علم الأصول* قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، چاپ اول
- شلیبی، محمد (۱۴۰۶). *أصول الفقه الإسلامي*، بیروت: دار النهضة العربية، الطبعة الاولى.
- صافی، لطف الله (۱۴۱۷). *جامع الأحكام*، قم: انتشارات حضرت معصومه (عليها السلام) چاپ چهارم.
- صافی، لطف الله (۱۴۲۸). *بیان الأصول* قم: دفتر آیت الله صافی، چاپ اول
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۲۳). *بحوث فی علم الأصول* تقریر: حسن عبد الساتر، بیروت: محبین، الطبعة الاولى.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۳۱). *بحوث فی علم الأصول*، تقریر: سید محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، چاپ چهارم.
- عاملی، سید جواد (بی تا). *مفتاح الكرامة*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الاولى.
- عراقی، ضیاءالدین (۱۳۸۸). *الإجتهد والتقلید*، قم: نوید اسلام، چاپ اول
- علوانی، جابر (۱۴۲۱). *مقاصد الشريعة*، قم: ستاره، چاپ اول
- علی شاهی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی*، قم: بوستان کتاب، چاپ اول
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). *جامع المسائل*، قم: امیرالعلم، چاپ یازدهم.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۷). *احکام پزشکان و بیماران*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عليهم السلام) چاپ اول
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۳۰). *دراسات فی الأصول*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عليهم السلام) چاپ اول
- فراهیدی، خلیل (۱۴۲۴). *العین*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- فیروزآبادی، محمد (۱۴۲۹). *القاموس المحيط*، قاهره: دار الحدیث، الطبعة الاولى.
- فیومی، احمد (۱۴۰۵). *المصباح المنیر*، قم: دار الهجرة، الطبعة الاولى.
- قارپوزآبادی، علی (۱۴۱۴). *صیغ العقود والإیقات*، قم: شکوری، الطبعة الاولى.
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات*، تهران: مؤسسه کیهان، چاپ اول
- قمی، سید تقی (۱۳۷۱). *آراؤنا فی أصول الفقه*، قم: محلاتی، چاپ اول

- کرکی، حسین (۱۳۹۶). *هدایة الأبرار*، نجف: مؤسسه إحياء الأحياء، الطبعة الأولى.
- کلینی، محمد (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامية، الطبعة الرابعة.
- کمپانی، محمد حسین (۱۴۱۴). *نهایة الدراریة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، الطبعة الأولى.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *ادوار اصول الفقه*، تهران: میزان، چاپ اول.
- مازندرانی، محمد (۱۳۷۹). *مناقب آل أبی طالب*، قم: علامه، چاپ اول.
- مبارکه‌ای، سید محمدعلی (۱۴۲۸). *سرادق دوشیزگان و سعادت ایرانیان در وجوب حجاب و لزوم نقاب*، ضمن جلد اول از کتاب *رسائل حجابیه*، به کوشش: رسول جعفریان، قم: دلیل ما، چاپ دوم.
- مجاهد، سید محمد (۱۴۱۵). *مفاتیح الأصول*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، الطبعة الأولى.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۲). *بیست و پنج رساله فارسی*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
- محمدی، غلامعلی (۱۴۳۰). *دروس فی الکفایة*، بیروت: دار المصطفی، الطبعة الأولى.
- مدنی، سید یوسف (۱۴۲۹). *قواعد الأصول*، قم: دفتر آیت الله مدنی، چاپ دوم.
- مشکینی، علی (۱۴۰۹). *اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها*، قم: الهادی، چاپ چهارم.
- مصطفوی، سید محمدکاظم (۱۴۱۷). *القواعد*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *مجموعه آثار*، تهران: صدرا، چاپ اول ج ۱۹.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵). *أصول الفقه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*، تهران: ادنا، چاپ چهارم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). *القواعد الفقهیة*، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین (ع)، الطبعة الأولى.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). *کتاب النکاح*، قم: مدرسه امام علی بن أبی طالب، الطبعة الأولى.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸). *أنوار الأصول*، قم: مدرسه امام علی بن أبی طالب، الطبعة الثانية.
- منتظری، حسین علی (۱۳۸۴). *رساله استفتائات*، قم: سایه، چاپ اول.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). *فقه پژوهی (دفتر دوم)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- مهریزی، مهدی (۱۴۲۳). *مدخل إلى فلسفة الفقه*، ترجمه: حیدر نجف و دیگران، بیروت: دار الهادی، الطبعة الأولى.
- میلانی، سید علی (۱۴۲۸). *تحقیق الأصول*، قم: حقایق، چاپ دوم.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲). *أجود التقريرات*، قم: مطبعة عرفان، الطبعة الأولى.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة السابعة.
- نجم آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۰). *الأصول*، قم: مؤسسه آیت الله بروجردی، چاپ اول.
- وحید، محمدباقر (۱۴۱۵). *الفوائد الحائریة*، قم: مجمع الفكر الإسلامی، الطبعة الأولى.

References

The Holy Qurān

Āshtīyānī, Maḥmūd. n.d. *Hāshīyah 'alā Durar al-Fawā'id*, Qom: Mu'allif, First Edition. [in Arabic]

Alī Shāhī, Abulfāḍl. 2011. *Maḥnūm wa Hujjīyat-i Midhāq-i Sharī'at dar Farāyand-i Istinbāt-i Ahkām Fiqhī* (*The Concept and Authority of the Taste of Sharia in the Process of Inferring the Rules of Jurisprudence*), Qom: Būstān Kitāb, First Edition. [in Farsi]

Alwānī, Jābir. 2000. *Maqāshid al-Shar'īyah* (*The Purposes of Sharia*), Qom: Sitārih, First Edition. [in Arabic]

Arāqī, Ḍīyā' al-Dīn. 2009. *Al-Ijtihād wa al-Taqlīd*, Qom: Nawīd-i Islam, First Edition. [in Arabic]

Āmilī, Sayyid Jawād. n.d. *Miftāḥ al-Kirāmah* (*The Key to Honor*), Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, First Edition. [in Arabic]

Anṣārī, Murtiḍā. 1998. *Farā'id al-Uṣūl*, Qom: Islamic Thought Association, First Edition. [in Arabic]

Anwarī, Ḥasan. 2003. *Farhang-i Buzurg-i Sukhan*, Tehran: Sukhan, Second Edition. [in Farsi]

Arākī, Muḥammad 'Alī. 1996. *Uṣūl al-Fiqh*, Qom: Mu'assisah dar Rāh-i Ḥaq (In the Right Way Institute), First Edition. [in Arabic]

Ardibīlī, Aḥmad. 1987. *Al-Dhukhar fī 'Ilm al-Uṣūl* (*Resources in the Principles of Jurisprudence*), Qom: Mu'allif, First Edition. [in Arabic]

Asadī, Ḥasan. 2004. "Qā'idih-yi Iḥtīyāt az Dīdgāh-i Fuqahā wa Uṣūlyīn-i Madhāhib-i Panjānih-yi Islāmī (The Rule of Precaution from the Point of View of Jurists and Fundamentalists of the Five Islamic Religions). In: *Research in Islamic Jurisprudence and Law*, no.1, pp.42-64. [in Farsi]

Bahjat, Muḥammad Taqī. 1997. *Risālih-yi Tuzīh al-Masā'il* (*Explanation of Issues*), Qom: Ayatullāh Bahjat Office, Tenth Edition.

Bihbahānī, Siyyid 'Alī. 2002. *Badā'i' al-Uṣūl*, Ahwaz: Khūzistān Publication, First Edition. [in Arabic]

- Bilādī, Siyyid ‘Abdullāh. 2007. *Sudūl al-Jilbāb fī Wujūb al-Ḥijāb*, within the First Volume of the Book *Rasā’il Ḥijābīyah*, Edited by Rasūl Ja‘farīyān, Qom: Dalīl-i Mā, Second Edition. [in Arabic]
- Bujnūrdī, Siyyid Muḥammad Ḥasan. 1998. *Al-Qawā‘id al-Fiqhīyah (Jurisprudential Principles)*, Qom: Al-Hādī, First Edition. [in Arabic]
- Bujnūrdī, Siyyid Muḥammad Ḥasan. 2001. *Muntahā al-Uṣūl*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khumīnī’s Works, First Edition. [in Arabic]
- Fāḍil, Lankarānī, Muḥammad. 2004. *Jāmi‘ al-Masā’il (The Collection of Issues)*, Qom: Amīr al-‘Ilm, Eleventh Edition. [in Arabic]
- Fāḍil, Lankarānī, Muḥammad. 2006. *Aḥkām-i Pizishkān wa Bīmārān (Jurisprudential Rulings of Physicians and Patients)*, Qom: Jurisprudential Center of the Infallible Imams, First Edition. [in Farsi]
- Fāḍil, Lankarānī, Muḥammad. 2009. *Dirāsāt fī al-Uṣūl (Studies in the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Jurisprudential Center of the Infallible Imams, First Edition. [in Farsi]
- Farāhīdī, Khalīl ibn. 2003. *Al-‘Iyn*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah, First Edition. [in Arabic]
- Fayyūmī, Aḥmad. 1985. *Al-Miṣbāḥ al-Munīr*, Qom: Dār al-Hijrah, First Edition. [in Arabic]
- Fīrūz Ābādī, Muḥammad, 2008, *Al-Qāmūs al-Muḥīt*, Cairo: Dār al-Ḥadīth, First Edition. [in Arabic]
- Gurjī, Abu al-Qāsim. 2006. *Adwār-i Uṣūl al-Fiqh (Periods of the Principles of Jurisprudence)*, Tehran: Mīzān, First Edition. [in Arabic]
- Ḥakīm, Siyyid Muḥsin. 1995. *Mutimassik al-‘Urwah al-Wuthqā*, Qom: Mu’assisah Dār al-Tafsīr, First Edition. [in Arabic]
- Ḥillī, Ḥasan. 1991. *Muntahā al-Maṭlab fī Taḥqīq al-Madhhab*, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation. [in Arabic]
- Ḥillī, Ḥusayn. 2011. *Uṣūl al-Fiqh (The Principles of Jurisprudence)*, Qom: Specialized Library of Jurisprudence and the Principles of Jurisprudence, First Edition. [in Arabic]

- Hurr 'Āmilī, Muḥammad. 1983. *Al-Fawā'id al-Ṭūsīyah*, Qom: 'Ilmīyah Printing House, First Edition. [in Arabic]
- Husīnī, Siyyid Maḥmūd. 2006. *Natā'ij al-Afkār fī al-Uṣūl (The Results of Thoughts in the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Mu'assisah Āl Murtiḏā, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Bābiwayh Qumī (Ṣadūq), Muḥammad. 1984. *Man Lāyahḏuruh al-Faqīh (The One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Qom: Islamic Publications Office, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Bābiwayh Qumī (Ṣadūq), Muḥammad. 2006. *Ilal al-Sharā'i (Reasons of Sharia Rules)*, Qom: Dāwarī Bookstore, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Bābiwayh Qummī (Ṣadūq), Muḥammad ibn 'Alī. 1999. *'Uyūn Akhbār al-Riḏā (AS) (Selected Words of Imam Riḏā)*, Tehran: Jahān. [in Arabic]
- Imāmī, Siyyid Ḥasan. 1995. *Ḥuqūq-i Madanī (Civil Rights)*, Tehran: Islāmīyah, Fifteenth Edition. [in Farsi]
- Iṣfahānī, Siyyid Abu al-Ḥasan. 2001. *Wasīlah al-Wuṣūl ilā Ḥaqā'iq al-Uṣūl (The Means of Attainment to the Truths of the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Islamic Publications Office, First Edition. [in Arabic]
- Jābalqī, Muḥammad. n.d. *Al-Qawā'id al-Sharīfah (The Noble Rules)*, Qom: Mu'allif, First Edition. [in Arabic]
- Jazāyirī, Muḥammad Ja'far. 1994. *Muntahā al-Dirāyah fī Sharḥ al-Kifāyah*, Qom: Mu'assisah Dār al-Kitāb, Fourth Edition. [in Arabic]
- Juhārī, Ismā'īl, 2009. *Al-Ṣiḥāḥ*, Cairo: Dār al-Ḥadīth, First Edition. [in Arabic]
- Karakī, Husiyn. 2017. *Hidāyah al-Abrār (The Guidance of the Righteous)*, Najaf: Mu'assisah Ihyā al-Ihyā, First Edition. [in Arabic]
- Khādīmī, Nūr al-Dīn. 2000. *'Ilm al-Maqāṣid al-Shar'īyah (The Science of the Purposes of Sharia)*, Riyadh: Maktabah al-'Abīkān, First Edition. [in Arabic]
- Khāminiyī, Siyyid 'Alī. 1996. "Baḥth Ḥawl al-Ṣābi'ah (Discussion on the Sabeans)". In: *Fiqh Ahl al-Bayt*, no.4, pp.7-38. [in Arabic]
- Khāminiyī, Siyyid 'Alī. 1997. "Al-Muhādanah". In: *Fiqh Ahl al-Bayt*, no.11-12, pp.7-90. [in Arabic]

- Khānsārī, Siyyid Aḥmad. 1985. *Jāmi' al-Madārik*, Qom: Mu'assisah Ismā'īlīyān, Second Edition. [in Arabic]
- Kharaqānī, Siyyid Asadullāh. 2007. *Risālih-yi Radd-i Kashf-i Hijāb (Treatise on Unveiling the Hijab)*, within First Volume of the Book *Rasā'il Hijābīyah*, Edited by Rasūl Ja'farīyān, Qom: Dalīl-i Mā, Second Edition. [in Arabic]
- Khurāsānī, Muḥammad Kāzīm. 1988. *Kifāyah al-Uṣūl*, Qom: Mu'assisah Āl al-Bayt (The Prophet's Household Institute), First Edition. [in Arabic]
- Khuyī, Siyyid Abulqāsim. 1998. *Miṣbāḥ al-Uṣūl*, Qom: Dāwarī Bookstore, Sixth Edition. [in Arabic]
- Kuliynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. 1986. *Al-Kāfi*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, First Edition. [in Arabic]
- Kumpānī, Muḥammad Ḥusīyn. 1993. *Nihāyah al-Dirāyah*, Qom: Mu'assisah Āl al-Bayt (The Prophet's Household Institute), First Edition. [in Arabic]
- Madanī, Siyyid Yūsuf. 2008. *Qawā'id al-Uṣūl (Rules of the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Ayatollah Madanī Office, Second Edition. [in Arabic]
- Majlisī, Muḥammad Bāqir. 1991. *Bīstu Panj Risālih Farsi (Twenty-five Persian Treatises)*, Qom: Ayatollah Mar'ashī Library, First Edition. [in Farsi]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 1990. *Al-Qawā'id al-Fiḥīyah (Jurisprudential Principles)*, Qom: Imam 'Alī ibn Abi-Ṭālib School, First Edition. [in Arabic]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 2003. *Kitāb al-Nikāḥ (The Book of Marriage)*, Qom: Imam 'Alī ibn Abi-Ṭālib School, First Edition. [in Arabic]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 2007. *Anwār al-Uṣūl (Lights of the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Imam 'Alī ibn Abi-Ṭālib School, Second Edition. [in Arabic]
- Māzandarānī, Muḥammad. 2000. *Manāqib Āl Abī Ṭālib (Virtues of 'Alī ibn Abī Ṭālib)*, Qom: 'Allāmah, First Edition. [in Arabic]
- Mīhrīzī, Mahdī. 2002. *Madkhal ilā Falsafih al-Fiḥ (Introduction to the Philosophy of Jurisprudence)*, Translated by Ḥīydar Najaf, et al, Beirut: Dār al-Hādī, First Edition. [in Arabic]
- Mīhrīzī, Mahdī. 2003. *Fiḥ Pazhūhī, Daftar Duwwum (A Study of Jurisprudence, Vol.2)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, First Edition. [in Farsi]

- Mīlānī, Siyyid ‘Alī, 2007. *Tahqīq al-Uṣūl (Research on the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Ḥaqāyiq, Second Edition. [in Arabic]
- Mishkīnī, ‘Alī, 1988. *Iṣṭilāḥāt al-Uṣūl wa Mu‘ẓam Abḥāthihā (Terms of the Principles of Jurisprudence and Their Important Topics)*, Qom: Al-Hādī, Fourth Edition. [in Arabic]
- Mu‘īn, Muḥammad. 2007. *Farhang-i Farsi (Persian Dictionary)*, Tehran: Ādinā, Fourth Edition. [in Farsi]
- Mubārakiyī, Siyyid Muḥammad ‘Alī. 2007. *Surādiq-i Dūshīzigān wa Sa‘ādat-i Īrānīyān dar Wujūb-i Ḥijāb wa Luzūm-i Niqāb (The Veil of the Maidens and the Happiness of the Iranians in the Obligatory of Niqab)*, within the First Volume of the Book *Rasā’il Ḥijābīyah*, Edited by Rasūl Ja‘farīyān, Qom: Dalīl-i Mā, Second Edition. [in Arabic]
- Muḥammadī, Ghulām ‘Alī. 2009. *Durūs fī al-Kifāyah*, Beirut: Dār al-Muṣṭafā, First Edition. [in Arabic]
- Mujāhid, Siyyid Muḥammad. 1994. *Mafātīḥ al-Uṣūl (Keys of the Principles of Jurisprudence)*, First Edition. [in Arabic]
- Muntaẓirī, Ḥusayn ‘Alī. 2005. *Risālah Istiftā’āt*, Qom: Sāyih, First Edition.
- Mūsawī Khumiynī, Siyyid Rūḥullāh. 2002. *Tahdhīb al-Uṣūl (Refinement of the Principles of Jurisprudence)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khumiynī’s Works, First Edition. [in Arabic]
- Muṣṭafawī, Siyyid Muḥammad Kāẓim. 1996. *Al-Qawā’id*, Qom: Islamic Publications Office, Third Edition. [in Arabic]

- Muṭahharī, Murtidā. 2011. *Majmū'ih Āthār (Collection of Works)*, Tehran: Ṣadrā, First Edition, vol.19. [in Farsi]
- Muzaffar, Muḥammad Riḍā. 1996. *Uṣūl al-Fiqh (The Principles of Jurisprudence)*, Qom: Mu'assisah Ismā'īlīyān, Fifth Edition. [in Arabic]
- Nā'imī, Muḥammad Ḥusayn. 1973. *Ajwad al-Taqrīrāt*, Qom: Maṭba'ah 'Irfān, First Edition. [in Arabic]
- Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1984. *Jawāhir al-Kalām (The Jewel of the Words)*, Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, Seventh Edition. [in Arabic]
- Najm Ābādī, Abu al-Faḍl. 2001. *Al-Uṣūl (The Principles of Jurisprudence)*, Qom: Ayatollah Burūjirdī, First Edition. [in Arabic]
- Qārpūz Ābādī, 'Alī. 1993. *Ṣiyagh al-'Uqūd wa al-Īqā'āt (Formats of Contracts)*, Qom: Shakūrī, First Edition. [in Arabic]
- Qummī, Abu al-Qāsim. 1992. *Jāmi' al-Shatāt fī Ajwabah al-Su'ālāt (Collection of Scattered Questions)*, Tehran: Mu'assisah Kiyhān, First Edition. [in Arabic]
- Qummī, Siyyid Taqī. 1992. *Ārā'unā fī Uṣūl al-Fiqh (Our Views on the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Maḥallātī, First Edition. [in Arabic]
- Rāqib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. 1991. *Mufradāt al-Alfāz al-Qurān*, Damascus: Dār al-Qalam, Beirut: Al-Dār al-Shāmīyah, First Edition. [in Arabic]
- Rashfī, Ḥabībullah. n.d. *Badā'i' al-Afkār*, Qom: Mu'assisah Āl al-Bayt (The Prophet's Household Institute), First Edition. [in Arabic]
- Rāzī, Aḥmad. 2008. *Maqāyīs al-Lughah (Comparative Language)*, Qom: Research Institute of Hawzah and University, First Edition. [in Arabic]
- Ruḥānī, Siyyid Muḥammad Ṣādiq. 2003. *Zubdah al-Uṣūl (Excerpts from the Principles of Jurisprudence)*, Tehran: Ḥadīth Dil, First Edition. [in Arabic]
- Sabziwārī, Siyyid 'Abd al-'A'lā. 1996. *Tahdhīb al-Uṣūl (Refinement of the Principles of Jurisprudence)*, Mu'assisah al-Minār, First Edition. [in Arabic]

- Sadlān, Ṣāliḥ. 1996. *Al-Qawā'id al-Fiqhīyah al-Kubrā wa Mā Tafarra'a 'Anhā (The Major Jurisprudential Rules and What Branched out from It)*, Riyadh: Dār Balansīyah, First Edition. [in Arabic]
- Ṣadr, Sayyid Muḥammad Bāqir. 2002. *Buḥuth fī 'Ilm al-Uṣūl (Issues of the Principles of Jurisprudence)*, Transcribed by Ḥasan 'Abd al-Sātir, Beirut: Muḥibbīn, First Edition. [in Arabic]
- Ṣadr, Sayyid Muḥammad Bāqir. 2010. *Buḥuth fī 'Ilm al-Uṣūl (Issues of the Principles of Jurisprudence)*, Transcribed by Sayyid Maḥmūd Hāshimī Shāhrūdī, Qom: Institute for Encyclopedia of Islamic Jurisprudence, Fourth Edition. [in Arabic]
- Ṣāfi, Luṭfullāh. 1996. *Jamī' al-Aḥkām*, Qom: Lady Ma'sūmih (S) Publication, Fourth Edition. [in Arabic]
- Ṣāfi, Luṭfullāh. 2007. *Bayān al-Uṣūl (Expression of the Principles)*, Qom: Ayatullāh Ṣāfi Office, First Edition. [in Arabic]
- Sanqarī, Muḥammad 'Alī. 1997. *Al-Mūsīqīyāt wa Naqduhā (Music and Its Criticism)*, within the Second Volume of the Book *Singing and Music*, Qom: Miršād, First Edition. [in Arabic]
- Shāhrūdī, Aḥmad. 2007. *Madīnah al-Islām Rūḥ al-Tamaddun (The City of Islam is the Soul of Civilization)*, within the First Volume of the Book *Rasā'il Ḥijābīyah*, Edited by Rasūl Ja'farīyān, Qom: Dalīl-i Mā, Second Edition. [in Arabic]
- Shāhrūdī, Siyyid 'Alī. 1998. *Dirāsāt fī 'Ilm al-Uṣūl (Studies in the Science of the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Institute for Encyclopedia of Islamic Jurisprudence, First Edition. [in Arabic]
- Shalbī, Muḥammad. 1986. *Uṣūl al-Fiqh al-Islāmī (Principles of Islamic Jurisprudence)*, Dār al-Niḥḍah al-'Arabīyah, First Edition. [in Arabic]
- Sīstānī, Siyyid 'Alī. 1993. *Qā'idah lā Ḍarar wa lā Ḍirār*, Qom: Ayatullāh Sīstānī Office, First Edition. [in Arabic]
- Subḥānī, Ja'far. 1999. *Al-Ṣawm fī al-Sharī'ah al-Islāmīyah al-Gharrā' (Fasting in the Glorious Islamic Law)*, Qom: Mu'assisah al-Imām al-Ṣādiq (AS), First Edition. [in Arabic]
- Subḥānī, Ja'far. 2002. *Al-Mūjaz fī Uṣūl al-Fiqh (Concise of the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Mu'assisah al-Imām al-Ṣādiq (AS), First Edition. [in Arabic]

- Subhānī, Ja'far. 2005. *Irshād al-'Uqūl ilā Mabāḥith al-Uṣūl (Guidance of the Minds to the Issues of the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Mu'assisah al-Imām al-Ṣādiq (AS), First Edition. [in Arabic]
- Subhānī, Ja'far. 2008. *Risālih-yi Tuzṭh al-Masā'il (Explanation of Issues)*, Qom: Mu'assisah al-Imām al-Ṣādiq (AS), Third Edition.
- Tabrīzī, Ghulām Ḥusayn. n.d. *Uṣūl Muḥadhdhabah (Revised Principles)*, Mashhad: Ṭūs Printing House, Second Edition. [in Arabic]
- Taskhīrī, Muḥammad 'Alī. 2007. "Nigāhī bi Muḍū'-i Shabīh Sāzī-yi Insān bi Kumak-i Teknuluzhī-yi Jadīd (A Look at the Subject of Human Cloning with the Help of New Technology)". In: *Fiqh of Ahl al-Bayt*, no.52, pp.59-70. [in Farsi]
- Waḥīd, Muḥammad Bāqir. 1994. *Al-Fawā'id al-Ḥā'iriyah*, Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī (Islamic Thought Association), First Edition. [in Arabic]
- Zāmul, 'Abd al-Muḥsin. 2001. *Sharḥ al-Qawā'id al-Sa'dīyah*, Riyadh: Dār Aṭlas al-Khaḍrā', First Edition. [in Arabic]
- Zuḥaylī, Wahab. 1986. *Uṣūl al-Fiqh al-Islāmī (The Principles of Islamic Jurisprudence)*, Beirut: Dār al-Fikr al-Mu'āṣir, First Edition. [in Arabic]